

## جنون؛ از آثار حقوقی تا پیامدهای کیفری

مسعود بسامی<sup>۱</sup>

حسین بسامی<sup>۲</sup>

### چکیده

جنون را می‌توان یک بیماری روانی تعریف کرد که منجر به قطع ارتباط فرد با واقعیت و عدم تشخیص در اشتباه بودن اعمال می‌گردد. این بیماری واجد آثار حقوقی مهمی است که از جمله می‌توان به معافیت شخص مجنون از مجازات و بطلان اعمال حقوقی او اشاره نمود. این حمایت‌های قانونی از شخص مبتلا به جنون باعث شده که برخی از اشخاص برای رهایی از بار مسئولیت، خود را به دیوانگی بزنند. لذا شناخت جنون و علل و علائم آن لازم و ضروری است، اما باید توجه داشت که بیماری‌های روانی محدود به جنون نیست و طیف وسیعی را در برمی‌گیرد. با این وجود قانونگذار حمایت خود را از این بیماران دریغ نموده است. در این مقاله سعی گردیده علاوه بر شناخت جنون و آثار حقوقی آن، وضعیت حقوقی سایر بیماران روانی و ضرورت توجه مقنن به این اشخاص مورد بررسی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** جنون، بیماری‌های روانی، آثار حقوقی.

---

۱- کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی

۲- کارشناس مشاوره و روانشناسی

## مقدمه

بیماری جنون واجد آثار حقوقی مهمی می باشد. در هریک از تألیفات حقوقی و روانشناسی که به این مسئله پرداخته شده با توجه به اقتضای امر، هر یک از منظر خود موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده اند، اما به نظر می رسد که باید جنون را از هر دو دیدگاه حقوقی و روانشناختی مورد بررسی قرار داد. این امر علاوه بر شناخت دقیق جنون، به بیان وجوه افتراق و اشتراک دیدگاه حقوقدانان و روانشناسان خواهد انجامید و علاوه بر این، خلاء های قانونی را نیز نمایان می سازد. همچنین مسئله دیگری که لازم است به دقت مورد مطالعه قرار گیرد وضعیت حقوقی سایر بیماران روانی (غیر از مجانین) است. باید دید این بیماران در قوانین ما چه جایگاهی دارند. آیا مورد حمایت قانونی هستند و یا اینکه قانون نسبت به آنها بی اعتنا است. این مقاله در چهار بخش تهیه گردیده که دو بخش آن به بررسی مفهوم جنون، علل، علائم و درمان آن پرداخته و در دو مبحث دیگر وضعیت حقوقی جنون و سایر بیماریهای روانی در قوانین ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

جنون: از آثار حقوقی تا پیامدهای کیفری

## بخش اول: مفهوم جنون، انواع و درجات آن

## ۱- تعریف جنون

جنون یک اصطلاح حقوقی است نه روانشناختی<sup>۱</sup> و از نظر روانشناسی و پزشکی معنایی وسیع تر و گسترده تر از معنای حقوقی آن دارد. لذا روانشناسان، جنون از لحاظ حقوقی را با جنون از لحاظ روانشناسی تفکیک کرده اند. دیوید ایبراهامسن

۱- جان دبلیو، سانتراک، زمینه روانشناسی، ترجمه مهرداد، فیروز بخت، چاپ اول، انتشارات رسا، ۱۳۸۳،

در کتاب روانشناسی کیفری می گوید: اصطلاح حقوقی جنون فقط به توانایی شناختن (تشخیص) شخص توجه دارد و توانایی های عاطفی یا احساسی او را در بر نمی گیرد<sup>۱</sup>. دادگاههای فدرال آمریکا جنون را «عدم تشخیص اشتباه بودن اعمال» می دانند. اما انجمن روانپزشکی آمریکا اصطلاح «اختلالات روانی» را به کار برده و آن را با اصطلاح و تعابیر پزشکی معرفی می کند و می گوید: بیماری روانی یا بر مغز شخص تاثیر می گذارد یا نمود مغزی دارد و طرز فکر، رفتار و تعامل فرد را تحت تاثیر قرار می دهد<sup>۲</sup>. بنابراین مفهوم حقوقی جنون با مفهوم پزشکی آن یکسان نیست و کاملاً بر هم منطبق نمی باشند. ولی این بدان معنا نیست که آنچه در اصطلاح حقوق جنون نامیده می شود در اصطلاح پزشکی جنون نیست. بلکه آنچه را حقوق جنون می داند در پزشکی نیز جنون نامیده می شود. با این وجود وقتی دادگاه ها در خصوص مجنون بودن یا نبودن شخصی از پزشکان نظر می خواهند فقط جنون فکری یا به عبارتی عدم تشخیص اشتباه بودن اعمال مد نظر است و سایر مواردی که از دیدگاه پزشکان ممکن است جنون نامیده می شود، مثل جنون عاطفی یا احساسی و جنون اخلاقی را مد نظر ندارند.

پس از ذکر این مقدمه به بیان برخی از تعاریفی که از جنون ارائه گردیده است می پردازیم.

در اصطلاح روانپزشکی، جنون یا به اصطلاح علمی پسیکوز<sup>۳</sup> ( ) بیماری روانی یا روان پریشی است که به واسطه آن، جریان فکر، اندیشه، رفتار، کردار،

۱- محمد حسن، مرعشی، مقاله، بخشی درباره جنون مجرم، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۴، ۱۳۷۹

۲- جان دبلیو، سانتراک، همان

احساس و اعمال از راه درست و صحیح منحرف شده باشد<sup>۱</sup>. چنانکه ملاحظه می گردد در این تعریف، جنون معادل با روان پریشی آمده است. روان پریشی نوعی قطع ارتباط با واقعیت است که شامل توهم و هزیان می باشد. در این بیماری ادراک فرد از واقعیت به گونه ای جدی دچار تحریف شده و واکنش های روانشناختی خود به شدت آشفته می گردد، این گونه بیماران از اختلال در تفکر و تکلم رنج می برند و رفتارهایشان بسیار عجیب و غریب است<sup>۲</sup>. حقوقدانان نیز برای جنون تعاریفی را ذکر نموده اند از جمله، جنون صفت کسی است که فاقد تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است<sup>۳</sup>. یا آنکه مجنون کسی است که قوه عقل و درک ندارد و به اختلال کامل قوای مغزی مبتلاست<sup>۴</sup>. فقها نیز جنون را فساد عقل و اختلال در آن دانسته اند<sup>۵</sup>.

با توجه به تعاریف فوق مشخص می گردد که جنون یک بیماری روانی است. با اینحال باید توجه داشت که تمامی بیماری های روانی جنون محسوب نمی شوند و فقط دسته ای از آنها داخل در مفهوم جنون قرار می گیرند. نکته ای که باید به آن اشاره کرد این که در حال حاضر در آثار و تألیفات پزشکی به ندرت از واژه جنون استفاده می شود و عباراتی مانند پسیکوز و اسکیزوفرنی به کار می رود لذا وقتی می خواهیم از جنون تعریفی ارائه دهیم و انواع آن را نام ببریم باید انواع اسکیزوفرنی یا پسیکوز را ذکر کنیم.

۱- مهرزاد، کیانی. فرامرز، گودرزی، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ چهارم، انتشارات سمت، ۱۳۸۶، ص ۳۳۴

۲- هدایت اله، ستوده، آسیب شناسی اجتماعی، چاپ پنجم انتشارات معراج ۱۳۷۸، ص ۱۱۵

۳- محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰

۴- حسین، صفایی. مرتضی، قاسم زاده، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چاپ چهارم، انتشارات سمت ۱۳۷۸، ص ۲۱۴

۵- همان

## ۲- تاریخچه جنون

از زمان پیدایش بشر حتی در دوره ماقبل تاریخ، بیماریهای روانی وجود داشته است. بشر اولیه بیمار روانی را تبعید کرده او را در طوفان، سرما و جلوی جانواران وحشی رها می کردند تا از بین برود<sup>۱</sup>. انسان های بدوی معتقد بودند که بیماری روانی از استیلای شیطان در بدن انسان به وجود می آید که به منظور تنبیه شخص به علت ارتکاب خطا بوده است<sup>۲</sup>. آنان با بیماران روانی به عنوان جادوگر و شیطان رفتار می کردند. آن ها را بی رحمانه کتک می زدند و به زنجیر می بستند و بالاخره می سوزاندند<sup>۳</sup>. این تفکرات حتی تا قرون وسطی نیز ادامه داشت .

بتدریج در سال های ۵۸۰-۵۱۰ اطبا خود را از سلطه خرافات رهانیدند. پیتاگوراس با بنیان گذاشتن مکتب پیتاگوریان اولین کسی بود که به مغز به عنوان مرکز فعالیت عقلانی توجه کرد و بیماری های روانی را ناشی از اختلال مغز دانست<sup>۴</sup>. با این وجود باید آغاز نظریات علمی را قرن هیجدهم دانست. در این قرن روانپزشکان بزرگی برای حمایت از بیماران روانی دست به کار شدند. آنان متحمل زحمت های زیادی شدند تا توانستند کلمه دیوانه را در عرف مردم تبدیل به بیمار روانی بکنند. یکی از این اشخاص، پزشکی فرانسوی به نام فلیپ پینل<sup>۵</sup> بود و او اولین کسی بود که در سال ۱۷۹۳ زنجیر را از پای بیماران روانی

۱- عالی نژاد، زهرا، اصول پرستاری روانی، چاپخانه پارس، بی تا ص ۳

۲- شاهسوند، اسماعیل و دیگران، بهداشت روان، جلد اول، چاپ اول، نشر جامه، ۱۳۷۷، ص ۲۸

۳- عالی نژاد، زهرا، همان، ص ۷

۴- شاهسوند، اسماعیل، همان

برداشت و ثابت نمود که آن‌ها قابل اعتماد هستند و می‌توانند به محبت و درمانهای بهتر پاسخ دهند.<sup>۱</sup>

در ایران باستان، وردهای مخصوص برای بیماران روانی می‌خواندند و از آنها در اماکن مقدس نگهداری می‌کردند. در دوره هخامنشیان درمانهای دارویی، گیاهی و جراحی انجام می‌شد. در دوره ساسانیان دانشکده پزشکی جندی شاپور تاسیس شد که بخشی از بیمارستان به بیماران روانی اختصاص یافت.<sup>۲</sup> در ایران معاصر تا سال ۱۲۹۷ در بیمارستان دولتی تهران، زیرزمینی بود که به بیماران روانی اختصاص داشت. در این سال به علت یکسری حوادث ناگوار این قسمت از بیمارستان دولتی جدا شد و به شهربانی واگذار گردید. شهربانی هم بیماران را به ساختمانی در محله ای به نام باغ اکبر آباد انتقال داد. به این ترتیب بیماران روانی از بیماران عادی جدا شده و تیمارستان تهران که مبدأ تاریخچه روانپزشکی نوین بوده است بوجود آمد.<sup>۳</sup>

### ۳- انواع جنون

در حال حاضر، جنون تقریباً معادل اسکیزوفرنی (شیزوفرنی) می‌باشد. تعیین انواع اسکیزوفرنی تاریخچه ای طولانی دارد. در این مبحث فقط به یکی از تقسیم بندهای اسکیزوفرنی اشاره می‌گردد و طرح‌های دیگر از تعیین انواع آن را می‌توان در سایر منابع علمی ملاحظه نمود. انواع اسکیزوفرنی را می‌توان بدین شرح نام برد: ۱- پارانوئید ۲- آشفته (هبه فرنیک) ۳- کاتاتونیک ۴- نوع نامتایز

۱- عالی نژاد، زهرا، همان

۲- همان، ص ۱۸

۳- همان، ص ۲۲

۵- نوع باقیمانده<sup>۱</sup>.

اما جنون را از حیث دیگری نیز به دو اعتبار تقسیم بندی کرده اند:

۱- به اعتبار دائمی یا ادواری بودن آن.

۲- به اعتبار اتصال یا عدم اتصال جنون به زمان کودکی.

۱- به اعتبار دائمی یا ادواری بودن آن

**الف. جنون دائمی:** جنونی است که همیشه در شخص وجود دارد و از بین نمی رود و شخص به حالت عادی باز نمی گردد خواه مدت آن طولانی باشد (همه عمر - سی سال و ...) و خواه مدت آن کوتاه باشد. در اصطلاح روانپزشکی بیماری روانی است که در آن علائم بیماری به طور دائم و مستمر وجود دارد. و اگر هم با معالجه و مداوا شدت خود را از دست بدهد باز هم از بین نمی رود.<sup>۲</sup>

**ب. جنون ادواری:** به معنای جنون دوره ای است و در اصطلاح حقوقی جنونی است که مستمر نیست و متناوب می باشد. در اصطلاح روانپزشکی نام بیماری عاطفی عمیقی است که با تغییرات شدید خلقی (نشاط مفرط یا افسردگی شدید) و بهبود پذیری و میل به عودت به کسالت مشخص می شود.<sup>۳</sup> بنابراین جنون ادواری جنونی است که همیشگی نیست. هر از چندگاهی برای چند ساعت یا چند روز یا چند ماه در بیمار ظاهر می شود و سپس از بین می رود و بیمار به حالت عادی باز می گردد و عاقل می شود.<sup>۴</sup>

۲- به اعتبار اتصال یا عدم اتصال جنون به زمان کودکی

۱- بنیامین، سادوک، ویرجینیا، سادوک، خلاصه روانپزشکی، مترجم نصرت اله، پور افکاری، چاپ سوم،

انتشارات شهر آب، ۱۳۸۵، ص ۲۶

۲- مهرزاد، کیانی. فرامرز، گودرزی، همان، ص ۳۳۶

۳- همان، ص ۳۳۵

۴- همان

در این تقسیم بندی، مجنون را به اعتبار زمان ابتلایش به جنون به دو گروه تقسیم کرده اند: مجنونی که جنون او متصل به دوران صغراست و مجنونی که جنون او متصل به ایام صغر نیست. هر دو گروه مجنونند و کلیه اعمال حقوقی آنها باطل است. اما هرگاه گروه اول دارای ولیّ خاص ( پدر و جد پدری و وصی منصوب از جانب آنان ) باشند به قیّم احتیاجی ندارند در صورتی که برای دسته دوم باید قیّم نصب شود، اگرچه دارای پدر و جد پدری باشند<sup>۱</sup>.

#### ۴- درجات جنون

جنون دارای درجاتی است؛ گاهی جنون تام است گاهی غیر تام با اینحال تمام درجات جنون در زوال عقل مشترکند<sup>۲</sup>. بنابراین ذکر درجه فقط نشانه شدت و ضعف جنون است و در ماهیت آن اثر ندارد<sup>۳</sup>. از حیث شدت و ضعف ملاحظه می گردد برخی از دیوانگان حالت خطرناکی دارند و برخی دیگر بی آزار و آرام هستند و ممکن است حتی در جامعه ناشناخته باقی بمانند<sup>۴</sup>. در برخی از کشورها مانند فرانسه بین درجات جنون تفکیک قائل شده و متناسب با درجه آن رژیم برای حمایت از محجور برقرار کرده اند<sup>۵</sup>.

جنون: از آثار حقوقی تا پیامدهای کفّری

۱- صفایی، حسین، قاسم زاده، مرتضی، همان، ص ۲۱۷

۲- مرعشی، محمد حسن، همان

۳- نور بهاء، رضا، مسئولیت جزایی اطفال و مجانین در قانون راجع به مجازات اسلامی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۷۰

۴- صفایی، حسین، قاسم زاده، مرتضی، همان، ص ۲۱۵

۵- همان



## بخش دوم : علل جنون، علائم و درمان آن

## ۱- علل جنون

در خصوص علل بیماری های روانی اعم از جنون و سایر بیماریهای روانی، تقسیم بندی هایی صورت گرفته که به برخی از آنان اشاره می کنیم:

در یک تقسیم بندی، علل بیماری روانی را به سه دسته تقسیم بندی کرده اند:

۱- علل سرشتی و ارثی، ۲- علل عضوی (ناشی از بیماریهای جسمی)، ۳- علل روانشناسی (ناشی از شکست های روانی)<sup>۱</sup>

برخی دیگر علل را به دو دسته تقسیم کرده اند:

۱- علل جسمانی یا محیط داخلی: که شامل عوامل ارثی، مادرزادی و شرایط فیزیکی و فیزیولوژیکی بدن است. ۲- علل محیطی یا محیط خارجی: شامل عوامل جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ضربه ها و فشارهای روحی و روانی است.<sup>۲</sup>

## ۲- علائم جنون

در ذیل به برخی از علائمی که برای جنون بیان گردیده است اشاره می شود:

- ۱- عدم تماس با واقعیت و یا تعبیر غیر عادی آن
- ۲- اختلال شدید و مداوم عاطفی (بیمار، خوشحال، عصبانی، بدبین یا خوش بین است)
- ۳- بازگشت به رفتارهای دوران کودکی.

۱- عالی نژاد، زهرا، همان، ص ۱۹۲

۲- شاهسونند، اسماعیل، و دیگران، همان ص ۳۰

۴- از بین رفتن تعادل شخصیت به طوریکه تمایلات اولیه بدون کنترل ظهور می نماید.

۵- اختلال حاد یا مزمن در طرز فکر و ادراک مثل اختلال در درک زمان و مکان

۶- بروز افکار غیر عادی که شامل هذیانها و توهمات می شود (توهم شنوایی، بویایی، بینایی و ...)<sup>۱</sup>

از جمله علائم دیگر می توان به بهت، منفی کاری (انجام کارها به صورت بالعکس)، اختلال در دقت و انجام عمل ناگهانی اشاره کرد. نکته ای که باید به آن توجه داشت آن است که در بعضی بیماران ممکن است برخی از علائم مذکور وجود داشته باشد و در بعضی دیگر همه علائم، بستگی به نوع بیماری دارد. مثلاً علائم اسکیزوفرنی هبه فرنیک با نوع کاتاتونیک متفاوت است. با این حال هر دو نوع، داخل در مفهوم جنون قرار می گیرند.

### ۳- درمان جنون

روشهای درمانی که در ذیل می آید تنها مختص به جنون نیستند و از این روشها برای سایر بیماری های روانی نیز استفاده می شود.

روشهای درمانی را می توان در دو دسته درمانهای بیولوژیک و درمانهای پسیکولوژیک قرار داد.<sup>۲</sup>

۱- شاملو، سعید، بهداشت روانی، چاپ ششم، ناشر شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۳، ص ۲۱۱.

گودرزی، فرامرز، کیانی، مهرزاد، همان، ص ۳۳۴

۲- عالی نژاد، زهرا، همان، ص ۲۹۶

الف- درمانهای بیولوژیک شامل: ۱- تشنج درمانی - (انسولین درمانی - الکتروشوک و ...)، ۲- آب درمانی، ۳- روان جراحی، ۴- دارو درمانی شامل داروهای خواب آور - آرام بخش و ...

به طور کلی داروهای ضد جنون دو طبقه هستند: آنتاگونیست های گیرنده دوپامین و SDA (مثل ریسپریدون)<sup>۱</sup>

ب- درمانهای پسیکولوژیک: ۱- روان درمانی، ۲- گروه درمانی، ۳- مواظبت های موردی، ۴- درمان معطوف به خانواده<sup>۲</sup> و ....

### بخش سوم: آثار حقوقی جنون

در این بخش اعمال حقوقی، مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری مجنون را مورد بررسی قرار می دهیم. به عبارتی می خواهیم ببینیم آثار حقوقی اعمال ارتكابی توسط مجنون به چه صورتی است.

#### ۱- اعمال حقوقی

قبل از بررسی وضعیت اعمال حقوقی مجنون لازم است دو مفهوم توضیح داده شود:

#### ۱- عمل حقوقی ۲- حجر

**عمل حقوقی:** هر عملی است که از روی قصد واقع شود و اثر قانونی داشته باشد.<sup>۳</sup> به عبارتی اعمال حقوقی به کارهایی مانند عقود و ایقاعات اطلاق می شود

۱- بنیامین، سادوک. ویرجینیا، سادوک، همان، ص ۴۰

۲- همان

۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان، ص ۴۷۲

که اشخاص به طور ارادی و برای رسیدن به پاره ای آثار حقوقی انجام می دهند و قانون هم آثار مورد نظر را بر آن اعمال، مترتب می سازد<sup>۱</sup>.

**حجر:** عبارت است از منع شخص به حکم قانون از اینکه بتواند امور خود را [مالی و غیر مالی] به طور مستقل و بدون دخالت دیگری اداره کند و شخصاً اعمال حقوقی خود را انجام دهد<sup>۲</sup>.

قانون مدنی ایران در ماده ۱۲۱۱ مقرر می دارد: «جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است» از مجموع موارد مذکور نتیجه گرفته می شود که مجنون نمی تواند اعمال حقوقی انجام دهد. به عبارتی چون مجنون فاقد درک و تمیز و در نتیجه اراده حقوقی (قصد ایجاد عمل حقوقی) است، تمام اعمال حقوقی او باطل است و اجازه ولی یا قیم نیز در این زمینه نمی تواند ناتوانی او را جبران نماید. البته در صورت لزوم، خود ولی یا قیم، بر طبق مقررات، به عنوان نماینده قانونی مجنون اقدام می نماید و به جای او اعمال حقوقی انجام می دهد که اثر آن دامنگیر مجنون می شود<sup>۳</sup>. ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی در این باره مقرر می دارد: «مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید، ولو با اجازه ولی یا قیم خود؛ لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه انجام می دهد نافذ است مشروط بر آنکه افاقه او مسلم باشد.» مجنون ادواری چون در حالت سلامت، قصد و تمیز دارد لذا اعمال حقوقی او اعمال یک شخص سالم و کامل است در نتیجه این اعمال صحیح و معتبر می باشد.

جنون: از آثار حقوقی تا پیامدهای کثیری

۱- صفایی، حسین، قاسم زاده، مرتضی، همان، ص ۱۹۰

۲- همان، ص ۱۵۸

۳- همان، ص ۲۱۷

## ۲- مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی به معنی خاص، یعنی فرضی که شخصی به عمد یا در اثر خطای خود به دیگری زیان می‌رساند و مسئول جبران آن قرار می‌گیرد<sup>۱</sup>. به عبارتی در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است<sup>۲</sup>.

در حقوق ما مسئولیت مدنی اصولاً مبتنی بر تقصیر است و هر کس مسئول زیان‌هایی است که به عمد یا در نتیجه بی احتیاطی به دیگران می‌زند<sup>۳</sup>. حال آیا مجنون می‌تواند مرتکب تقصیر شود و مسئول جبران خسارات وارده به دیگری باشد؟

در سیر تحولات تاریخی مسئولیت مدنی برای تقصیر، دو مفهوم مطرح شده است؛ یکی مفهوم اخلاقی و دیگری مفهوم اجتماعی. از دیدگاه مفهوم اخلاقی تقصیر، کسی مقصر می‌باشد که کار قابل سرزنشی انجام داده باشد و چون لزوم و قابلیت سرزنش اشخاص مبتنی بر داشتن قوه تمیز حسن و قبح و درک و اراده می‌باشد بنابراین در این دیدگاه چون مجانین و کودکان دارای قدرت تمیز خوب از بد نمی‌باشند در نتیجه قابلیت انتساب تقصیر به آنان وجود نداشته لذا در صورت ایراد خسارت، مسئولیت مدنی ندارند<sup>۴</sup>. در مقابل مفهوم اخلاقی تقصیر، مفهوم اجتماعی آن قرار دارد. در این دیدگاه مسئولیت مدنی وسیله‌ای است برای حفظ زندگی مشترک در اجتماع و هدف اصلی، داوری درباره خوبی و بدی اشخاص نیست؛ هدف این است که زیان‌های نامشروع جبران شود و

۱- ناصر، کاتوزیان. دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، چاپ چهارم، ناشر شرکت سهامی انتشار،

۱۳۷۹ ص ۱۰

۲- همان، ص ۱۳

۳- همان، ص ۳۵

۴- صفایی، حسین، قاسم زاده، مرتضی، همان، ص ۲۰۳

آثار کارهای ناشایسته از بین برود. پس قطع نظر از شرایط جسمی و روحی خطا کار، باید دید کاری که از او سر زده است با رفتار انسان معقول یا متعارفی که معیار تمیز خطاست تعارض دارد یا با آن موافق است. به این ترتیب، تقصیر مفهومی نوعی و اجتماعی است که باید جدای از شخصیت خطا کار مورد بررسی قرار گیرد و دیگر قابلیت انتساب تقصیر در زمره شرایط مسئولیت قرار داده نمی شود و کسانی که از نظر اخلاقی نمی توانند مقصر به شمار آیند، مانند دیوانه و کودک نیز مسئولیت پیدا می کنند.<sup>۱</sup>

حال حقوق ایران کدامیک از نظرات فوق را پذیرفته است؟ با توجه به موارد مندرج در مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ ملاحظه می گردد که قانونگذار، مفهوم اجتماعی (نوعی) تقصیر را پذیرفته است.<sup>۲</sup> همچنین به صراحت در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مقرر می دارد: « هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است». این ماده مبتنی بر فقه اسلامی است و فقها بر آن اجماع نموده اند.<sup>۳</sup> به این ترتیب چنانچه مجنون به مال دیگری خسارت وارد کند باید از اموال خود او جبران خسارت شود.

به طور خلاصه، مجنون دارای مسئولیت مدنی است و حجر که مربوط به اعمال حقوقی می باشد افعال مادی زیانبار محجور را شامل نمی شود. البته باید توجه داشت در مواردی که خسارت وارده از ناحیه مجنون، ناشی از قصور کسانی باشد که نگهداری مجنون به عهده آنان است قانون در اینجا آنها را مسئول می شناسد. زیرا در نظر عرف، در این موارد رابطه علیت بین خطای سرپرست مجنون و صغیر یا زیان، قویتر از اقدام آنهاست و در این چنین مواردی باید مسبب را

۱- کاتوزیان، ناصر، همان، ص ۶۷

۲- همان

۳- شکاری، روشنعلی، شرح و ترجمه فقه (بیع و خیارات)، چاپ اول، نشر کشاورز، ۱۳۸۰، ص ۵۶

مسئول شمرد<sup>۱</sup>. بر همین مبنا ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد ...»

### ۳- مسئولیت کیفری

مفهوم تقصیر و مسئولیت در حقوق کیفری با مفهوم تقصیر و مسئولیت در حقوق مدنی متفاوت است. حقوق کیفری کسی را مسئول و مقصر می‌شناسد که از قدرت ادراک و اختیار برخوردار باشد. بنابراین اگر مجرم فاقد اوصاف درک و اختیار باشد مسئول اعمال خود نیست. یعنی در قبال امر و نهی قانونگذار تکلیفی ندارد. خطاب یا امر و نهی قانونگذار متوجه کسانی است که دستورهای او را می‌فهمند و قدرت بر اجابت آن دارند. به همین دلیل مجنون و یا نا بالغ چون نیک و بد افعال خود را نمی‌فهمد و یا تمیز این دو برایش دشوار است مسئولیت کیفری ندارد<sup>۲</sup>. قانونگذار شرط ثبوت مجازات را بلوغ، عقل و اختیار قرار داده است. و لذا فقدان کیفیات مذکور را از اسباب رافع مسئولیت کیفری (معافیت از مجازات) شناخته است. بر همین اساس قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۱ مقرر می‌دارد: «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است» این حکم قانونگذار در باب رفع مسئولیت کیفری از مجنون علاوه بر آنکه مبتنی بر اصول کلی حقوق کیفری پذیرفته شده در سایر کشورهای جهان می‌باشد مستند به حدیثی است از پیامبر اسلام (ص) معروف

۱- کاتوزیان، ناصر، همان، ص ۱۱۷

۲- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۸۱، ص ۷۴

به حدیث رفع که می فرمایند: «رفع القلم عن ثلاثه، عن الصبی حتی یحتلم، و عن المجنون حتی یفیک و عن النایم حتی یستیقظ.»، «سه گروه از مردم فاقد تکلیف و مسئولیت‌اند، کودک تا به سن بلوغ برسد، دیوانه تا بهبود یابد، خفته تا بیدار شود.»

در مجموع با توجه به متن ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی و نیز حدیث رفع، مجنون در صورت ارتکاب جرم، معاف از مجازات می باشد. لکن باید توجه داشت شرط معافیت مجنون از مجازات آن است که «جنون مقارن با ارتکاب جرم باشد» بنابراین چنانچه شخص در زمان ارتکاب جرم در حالت سلامت باشد هرچند قبل از ارتکاب جرم مبتلا به جنون بوده و یا پس از وقوع جرم به جنون دچار شده باشد از مجازات مبرا نیست. بر همین اساس تبصره ۲ ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «در جنون ادواری شرط رفع مسئولیت کیفری، جنون در حین ارتکاب جرم است.»

سؤالی که در اینجا طرح می شود و باید پاسخی روشن برای آن یافت این است که تردید در حالت جنون را چگونه باید حل کرد؟ به عنوان مثال، هرگاه شخصی عملی انجام دهد و اختلاف پدید آید که در چه دورانی انجام شده است (حالت افاقه یا جنون) چگونه رفع اختلاف می شود و چه کسی باید ادعای خود را ثابت کند؟ در این خصوص باید بین شخصی که سابقه ابتلا به جنون را ندارد و شخصی که سابقه ابتلا دارد قائل به تفکیک شویم.

**الف - حالت اول:** ادعای جنون از سوی کسی که سابقه ابتلا به جنون ندارد

جنون: از آثار حقوقی تا پیامدهای کیفری

۱- وسائل، جلد ۱، کتاب الطهاره، باب ۴، از ابواب مقدمه عبادات حدیث ۱۱، به نقل از روشنعلی، شکاری، همان، ص ۵۳



چنانچه شخصی که قبلاً سابقه ابتلا به جنون نداشته عملی را انجام داده اعم از عمل حقوقی یا عمل کیفری و حال، خود او (در زمان افاقه) یا بستگانش مدعی شوند که ارتکاب عمل در زمان حدوث جنون بوده است و خواهان بطلان عمل حقوقی یا معافیت از مجازات باشند رفع اختلاف به چه صورت است.

هم در حقوق مدنی و هم حقوق کیفری عاقل بودن افراد اصل می باشد و فرض جنون وجود ندارد.<sup>۱</sup> در حقوق ایران از مقررات قانون مدنی و قانون امور حسبی می توان این اصل را دریافت.<sup>۲</sup> بعلاوه در نظام حقوقی ما در باب اعمال حقوقی، اصلی وجود دارد به نام اصل صحت. به موجب این اصل در عقود و ایقاعات، فرض قانون بر صحت آنهاست و مدعی فساد باید دلیل بر فساد اقامه کند. این اصل در ماده ۲۲۳ قانون مدنی پیش بینی شده است. با توجه به این اصل، شخصی که مدعی است عمل حقوقی در زمان جنون انجام شده (مدعی فساد معامله است) باید دلیل بر این ادعا بیاورد. لذا در صورت عدم اقامه دلیل، ادعای جنون پذیرفته نمی شود و حکم به صحت معامله داده می شود.

در حقوق کیفری هم اصل بر آن است که هر کس، عاقل فرض می شود. لذا به منظور رد این اصل، متهم باید ثابت کند که در زمان ارتکاب جرم مجنون بوده است.<sup>۳</sup> این موضوع در حقوق کیفری پذیرفته شده است. با این حال بعضی از حقوقدانان معتقدند فرض مذکور در تعارض با این اصل است که بار اثبات باید همیشه به عهده دادستان باشد و متهم تا زمانی که مجرمیتش اثبات نشده بی گناه است.<sup>۴</sup>

۱- گاستون استفانی و دیگران، حقوق جزای عمومی، جلد اول، جرم و مجرم، ترجمه حسن دادبان، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷، ص ۵۱۸

۲- مدنی، جلال الدین، آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲، چاپ چهارم، نشر پایدار، ۱۳۸۷، ص ۹۴

۳- کاترین، الیوت، حقوق جزا، ترجمه عبدالوحید زاهدی، چاپ اول، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۶، ص ۲۸۶

۴- همان

ب- حالت دوم: ادعای جنون از سوی کسی که سابقه ابتلا به جنون دارد (مجنون ادواری)

هرگاه مجنون ادواری عملی انجام دهد و اختلاف شود که در چه دورانی انجام شده (افاقه یا بیماری) چگونه رفع اختلاف می شود؟ در مسئله مذکور در حوزه حقوقی مدنی و در خصوص اعمال حقوقی دو اصل وجود دارد که با هم متعارض هستند:

#### ۱- اصل استصحاب ۲- اصل صحت

اصل استصحاب اقتضا دارد که معامله در حال جنون واقع شده باشد (بطلان معامله) مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. اصل صحت اقتضا دارد که معامله صحیح تلقی گردد مگر این که خلاف آن اثبات گردد. به نظر برخی از اساتید آنچه از ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی بر می آید آن است که اصل بر بطلان معاملات مجنون ادواری است و مدعی صحت باید دلیل بیاورد. ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی مقرر می دارد: «... اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه انجام دهد نافذ است. مشروط بر آنکه افاقه او مسلم باشد.» این دسته از حقوقدانان معتقدند این ماده با تعبیر «مشروط بر آنکه افاقه او مسلم باشد» در واقع، اصل را بر وقوع معامله در حال جنون و بطلان آن قرار داده (استصحاب) و خلاف آن را محتاج به اثبات دانسته است<sup>۱</sup>.

در مقابل، برخی دیگر از حقوقدانان اصل را بر صحت معاملات مجنون ادواری دانسته‌اند؛ یعنی اصل بر این است که معامله در حال افاقه صورت گرفته و صحیح می باشد<sup>۲</sup>.

۱- صفایی، حسین، و قاسم زاده، مرتضی، همان، ص ۲۱۹

۲- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۶، ص ۲۱۴

در حقوق کیفری نیز درباره مسئله مورد بحث می توان گفت، همچنان که اصل عاقل بودن افراد به قوه خود پا برجاست، این مدعی جنون است که باید ادعای خود را ثابت کند.

در هر حال باید توجه داشت که احراز جنون امری ماهوی و در اختیار دادگاه است. نهایتاً دادگاه از کارشناس که در این قبیل موارد پزشک قانونی است نظر خواهی می کند. در عین حال دادگاه ملزم به تبعیت از نظر کارشناس نیست و نظر کارشناس جنبه مشورتی دارد.<sup>۱</sup> تبصره ماده ۴ لایحه قانون اقدامات تامینی (مصوب ۱۳۳۹) مقرر می دارد: «درباره تشخیص عدم مسئولیت مجرمین و اینکه آیا مطلقاً یا به طور نسبی فاقد قوه تمیز می باشند دادگاه نظر پزشک متخصص امراض روحی را جلب می نماید و در هر حال تصمیم نهایی با دادگاه است.»

### بخش چهارم - وضعیت حقوقی سایر بیماران روانی

در جامعه بیمارانی هستند که در دسته مجانین به مفهوم عرفی و یا پزشکی قرار نمی گیرند، لیکن از نظر وضع روحی و جسمانی در شرایط غیر طبیعی هستند، یعنی با اینکه مجنون نیستند؛ ناتوانایی ها و ناهنجاری های شدید روانی دارند، که خود معلول عوامل مختلفی است. درست نمی توانند تصمیم بگیرند، لغزش ها و ضعف هایی دارند که نباید از کنار آنها بی توجه گذشت. از این قبیل بیماران یا بیماری ها می توان به انواع اضطراب ها، انواع هذیانها، انواع توهمات، افکار وسواسی، انواع اختلالات شخصیت و انواع اختلالات حافظه اشاره نمود. حال سؤال این است که قانونگذار چه تدابیری برای اینگونه افراد اندیشیده است.

۱- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوقی جزای عمومی، چاپ ششم، نشر میزان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۳

با بررسی سیر تاریخی قانونگذاری در مسائل کیفری ایران از سال ۱۳۰۴ و قوانین مدنی از سال ۱۳۰۷ تا به امروز ملاحظه می‌گردد قوانین حاکم در ارتباط با بیماری های روانی با اندکی تغییرات در حکم و متن و عبارت، همان قوانین حاکم در سال های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۷ می باشد و موضوع و نوع جدیدی از بیماری های روانی در قوانین نیامده است و قانونگذار، غیر از جنون و سفه ( صفت اشخاصی که تصرفات مالی عاقلانه ندارند) بیماری های روانی دیگری را به رسمیت نمی شناسد که این امر یک خلاء قانونی و انتقادی بر قانونگذار می باشد. زیرا اگر ملاک در زوال مسئولیت کیفری و بطلان اعمال حقوقی مجنون، فقدان درک و شعور و عدم تمیز حسن و قبح باشد برخی از بیماران روانی هرچند نه در تمامی اعمال، لاقلاً در برخی از افعال، واجد اوصاف مذکور می باشند این درحالی است که مقنن برای این اشخاص مسئولیت کیفری را به شکل تام به رسمیت شناخته و اعمال حقوقی آنان را نیز صحیح می داند، به عنوان مثال می توان به بیماران دچار اختلالات جنسی اشاره نمود. فردی که دچار اختلال جنسی عورت نمایی یا حیوان دوستی است، قانون مجازات عمل آنان را جرم می داند و هیچگونه ارفاق و تخفیفی برای آنان در نظر نگرفته است. این خلاء قانونی در حالی است که تحولات چشمگیر و پر شتاب در عرصه شناخت انسان و روان او موجب شده است تا حقوق به خصوص حقوق جزا تحت تاثیر روانشناسی تغییر جهت داده و توجه خود را به بیماری های روانی معطوف دارد. بنابراین به نظر می رسد اولاً قانونگذار باید لاقلاً به برخی بیماری های روانی که وضعیت حادثتری دارند توجه نماید چرا که این عدم توجه می تواند به تضییع حقوق مبتلایان این بیماریها منجر گردد و حقوق را از راه درست منحرف نماید. ثانیاً واژه «جنون» را از قانون حذف کند، زیرا نخست آنکه، ملاک فقدان شعور

است نه جنون. چنانکه در خصوص صغار مبنای حمایت قانونگذار از آنها فقدان شعور و عدم تمیز است که این مبنای در برخی بیماران روانی (هرچند در برخی از اعمال آنها) یافت می شود. دوم آنکه، کلمه جنون اصطلاحی قدیمی، مجمل و حقوقی است و این بدان علت می باشد که در اعصار گذشته علم روانپزشکی و روان شناسی چندان مطرح نبوده و مردم و پزشکان با سایر بیماری های روانی آشنا نبودند و فقط نوع بارز و حاد آن را که جنون می باشد می شناختند. در حالی که با پیشرفت علم همچنانکه بسیاری از بیماری های جسمی کشف شدند، بسیاری از بیماری های روانی نیز مورد شناسایی قرار گرفته اند و سوم آنکه در نظامهای حقوقی پیشرفته دنیا توجه قانونگذار و دادگاهها صرفاً به جنون معطوف نیست و به برخی از بیماری های روانی نیز توجه نموده اند. از جمله حقوق فرانسه با تأسی از علم روانشناسی، اصطلاح جنون را از قانون مجازات زدوده است. طبق ماده ۱-۲۲۲ قانون مجازات فرانسه « شخصی که در حال ارتکاب، مبتلا به اختلال روانی یا عصبی روانی منجر به زایل شدن قدرت تشخیص یا کنترل اعمالش باشد مسئولیت کیفری ندارد.»<sup>۱</sup> به همین ترتیب در حقوق انگلستان برخی از دادگاهها اشخاصی را که به علت سایر بیماری های روانی غیر از جنون دچار اختلال در تشخیص گردیده و مرتکب جرم شده بودند را تبرئه می نمایند.<sup>۲</sup>

۱- گاستون استفانی و دیگران همان، ص ۵۱۷

۲- کاترین، الیوت. همان صص ۲۸۷-۳۰۰

**نتیجه**

جنون به عنوان یک بیماری روانی در پزشکی (روانپزشکی) تعریفی وسیع تر از تعریف حقوقی آن دارد.

حقوق فقط جنون فکری یا به عبارتی عدم تشخیص اشتباه بودن اعمال را مد نظر قرار داده و به حمایت از بیمارانی که دارای حالت مذکور می باشند پرداخته و به دیگر حالت هایی که ممکن است از دیدگاه پزشکی جنون نامیده شود و نیز سایر بیماریهای روانی بی توجه است. می توان گفت جنون تنها بیماری روانی است که قانون به حمایت از بیماران آن پرداخته و این در حالی است که وقتی به مبنای حمایت مقنن از مجانین می نگریم می بینیم که این مبنا بر فقدان درک و شعور استوار است که این حالت در برخی دیگر از بیماران روانی، هر چند به طور نسبی وجود دارد. لذا این تبعیض بین بیماران روانی نه با واقعیت های علمی منطبق است نه با اصول حقوقی. قانونگذار باید در جهت مترقی نمودن قوانین از دستاوردهای علمی علوم مختلف بهره گیرد نه اینکه نسبت به آنها بی توجه باشد. لذا به نظر می رسد مقنن باید مبنای حمایت خود را «زوال قدرت درک و تشخیص» قرار دهد، حال به علت هر بیماری که ممکن است حادث شده باشد هر چند که نام آن جنون نباشد.

## Insanity” From Legal effects to penal consequences

Masoud Basami<sup>1</sup>

Hossien Basami<sup>2</sup>

### Abstract

Lunacy defines as a mental disease which causes to interrupt personal relationship with reality and undistinguished of mistake. The disease itself has important legal effects such as exemption of lunacy from punishment and nullity legal practices – such legal supports from lunatic person because some people simulate insanity in order to escape from liability. So recognition of lunacy and reasons and elements are essential.

It should be taken in to consideration which Mental diseases are not limited to lunacy, it embrace extensive group of disease nevertheless Lawgiver don't support the patients. In this essay has been attempt except to recognition lunacy and its legal effects, the legal condition of other mental diseases and the lawgiver focus of attention be examined.

**Kay words:** lunacy – mental diseases – legal effects.

---

1- M.A. criminal law and criminology  
2- License consult and psychology

## منابع

- ۱- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۸۱
- ۲- استفانی، گاستون و دیگران، حقوق جزای عمومی، جلد اول جرم و مجرم، ترجمه حسن، دادبان، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷
- ۳- الیوت، کاترین، حقوق جزا، ترجمه عبدالوحید زاهدی، چاپ اول، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۶
- ۴- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۶
- ۵- جعفری، لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، نشر گنج دانش، ۱۳۷۸
- ۶- سادوک، بنیامین. سادوک، ویرجینیا، خلاصه روانپزشکی، ترجمه نصرت اله، پور افکاری، چاپ سوم، انتشارات شهر آب، ۱۳۸۵
- ۷- سانتراک، جان دیبلو، زمینه روانشناسی، ترجمه مهرداد، فیروز بخت، چاپ اول، نشر رسا، ۱۳۸۳
- ۸- ستوده، هدایت اله، آسیب شناسی اجتماعی، چاپ پنجم، نشر معراج، ۱۳۷۸
- ۹- شاملو، سعید، بهداشت روانی، چاپ ششم، نشر شرکت انتشار، ۱۳۶۳
- ۱۰- شاهسونند، اسماعیل و دیگران، بهداشت روان، جلد اول، چاپ اول، نشر جامه، ۱۳۷۷
- ۱۱- شکاری، روشنعلی، شرح و ترجمه متون فقه (بیع و خیارات)، چاپ اول، نشر کشاورزی، ۱۳۸۰
- ۱۲- صفایی، حسین. قاسم زاده، مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و مجبورین، چاپ چهارم، انتشارات سمت، ۱۳۷۸
- ۱۳- عالی نژاد، زهرا، اصول پرستاری روانی، چاپخانه پارس، بی تا
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی، چاپ چهارم، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹
- ۱۵- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، نشر میزان، ۱۳۸۸



- ۱۶- گودرزی، فرامرز. کیانی، مهرزاد. پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ چهارم، نشر سمت، ۱۳۸۶
- ۱۷- مرعشی، محمد حسن، «بחי درباره جنون مجرم»، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۴، ۱۳۷۹
- ۱۸- مدنی، جلال الدین، آیین دادرسی کیفری ۲ و ۱، چاپ چهارم، نشر پایدار، ۱۳۸۷
- ۱۹- نور بها، رضا، «مسئولیت جزایی و مجانین در قانون راجع به مجازات اسلامی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۷۰
- ۲۰- قانون امور حسبی
- ۲۱- قانون آیین دادرسی کیفری
- ۲۲- قانون مجازات اسلامی
- ۲۳- قانون مدنی